



# جستاری در باره سکولاریسم

فیروز نژاد نجف

چکیده: سکولاریسم را اغلب «جدایی دین از سیاست» معنا می‌کنند در حالیکه سکولاریسم معنایی فراتر از آن دارد. در این مقاله ضمن تعریف جامع سکولاریسم و اشاره به پیشینه تاریخی آن، نسبت اسلام و سکولاریسم نیز مورد تأمل قرار گرفته است.

## ۱- واژه‌شناسی و تعریف

کلمه انگلیسی سکولار (SECULAR) مشتق از اصل لاتینی *saeculum* به معنی عصر و دوران و در قرن چهار و پنج به معنای «دنیا» بوده است. (جلیلی، ص ۱۲) سکولار، به کسی می‌گویند که علاقه و گرایش به امور معنوی و مذهبی ندارد. همچنین سکولار (secular) به

معنای وابسته به دنیا، دنیوی، غیرروحانی، عامی و عرفی آمده است و سکولاریسم (secularism) به معنای اعتقاد بر اینکه قوانین اخلاقی و اصول آن باید با زندگی دنیوی منطبق بوده و صرفاً مطابق اصول مذهبی و روحانی نباشد. و نیز به معنای هر نظریه آموزشی یا برنامه‌ای که متکی بر اصول دنیوی بوده و متکر مراعات اصول مذهبی باشد، آمده است. در فرهنگ آکسفورد سکولاریسم چنین تعریف شده است: «اعتقاد بر اینکه سازمانهای اجتماعی و آموزشی و ... نباید مبتنی بر مذهب باشند» و سکولاریزاسیون به صورت «عمل یا فرایندی که قدرت یا تاثیر دین را بر سایر چیزها (نهادهای) رفع می‌کند» تعریف می‌شود. واژه لائیسسیسم (Laicism) که ریشه لاتینی اش (Laicus) است نیز با سکولاریسم پیوند معنایی دارد و لائیسزاسیون زیر چتر مفهومی سکولاریزاسیون می‌گنجد و در فارسی امروزین هر دو مترادف هم دانسته می‌شوند (نیکفر، ص ۱۲۸)

آقای آلین بیرو نیز در فرهنگ علوم اجتماعی واژه «Secularisation» را غیردینی معنا کرده و آن را چنین تعریف می‌کند: «Secularisation» از ریشه «Secularise» به معنای غیرمقدس و غیرروحانی گرفته شده است. فرایندی که بر طبق آن واقعیاتی که در قلمرو دینی، جادویی و مقدس جا داشتند، به محدوده امور غیرمقدس و طبیعی منتقل می‌شوند. در زمینه حیات اجتماعی مظاهر عقلانی، علمی و فنی جایگزین مظاهر دینی شده و اندیشه و آداب و رسوم جهانی غیردینی می‌یابند و منظور آن است که پیوندهایشان را با ارزشهای دینی و مبانی الهی قطع می‌کنند. البته آن فرایند غیردینی سازی را که با تمیز بین امر معنوی و امر مادی و به رسمیت شناختن کاربرد خاص خرد در قلمرو امور اخیر همراه است، نباید با فرایندی که تحت همین نام امحای هر معنای دینی را در زندگی تجویز می‌کند و سرانجام به خردگرایی محض و بی‌خدایی می‌انجامد، یکسان شمرد. (بیرو، زیر مدخل (secularisation) (بیرو در این عبارت در واقع دو

نوع سکولاریزم را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

بعد از این تعاریف یاد شده در فرهنگها نکته‌ای که مهم به نظر می‌رسد و باید بدان توجه نمود، تفاوت مابین سکولاریسم و سکولاریزاسیون است. هر چند هدف هر دو یکی است، ولی آنچه در تفاوت این دو آمده است این است که سکولاریسم یک ایدئولوژی است که قائلان به آن آگاهانه یا ناآگاهانه همه اشکال اعتقاد به امور و مفاهیم ماوراء طبیعی و کارکردهای مختص به آن را طرد و تخطئه می‌کنند، و از اصول غیردینی و ضددینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی حمایت می‌کنند؛ ولی سکولاریزاسیون به فرایندی از نقصان، زوال فعالیتها، باورها، روشهای اندیشه و نهادهای دینی مربوط است که عمدتاً متلازم با سایر فرایندهای ساختار تحول اجتماعی می‌باشد. (الیاده، ص ۱۲۶) سکولاریسم یک مرام فکری و از جنس معرفت و اندیشه است و پدیده‌های خارجی را دربر نمی‌گیرد ولی سکولاریزاسیون یک فرایند اجتماعی و یک پدیده خارجی است که در این فرایند نهادهای دینی به تدریج جای خود را در اجتماع از دست داده و نقش آنها کمرنگ می‌شود؛ (نصری، ص ۱۹۶)

اگر بخواهیم سکولاریزاسیون را به اجمال تعریف کنیم باید بگوییم: «فرایندی است که طی آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی اعتبار و اهمیت خود را از دست می‌دهند و این بدان معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امر مابعدالطبیعی عنایت دارند، عقلانی می‌شود.» (الیاده، ص ۱۲۹) هاروی کاکس<sup>۱</sup> نیز در کتاب شهر دنیوی، سکولاریزاسیون را چنین تعریف می‌کند: «رهانیدن از دریافتهای شبه دینی و از هم پاشیدن همه جهان‌بینی‌های بسته و شکستن همه اسطوره‌های فوق طبیعی و نمادهای مقدس، اکتشاف این امر به توسط انسان که توجه او را از جهان‌های ماوراء به این جهان و این

زمان برگردانده است صورت می‌گیرد.»

پس آنچه در فرق مابین سکولاریسم و سکولاریزاسیون مهم است، یکی این است که سکولاریسم، فکر و ایدئولوژی بوده و وجود ذهنی دارد. اما سکولاریزاسیون فرایندی است که در جامعه وجود خارجی دارد، یعنی اولی امر بینشی، نظری و اعتقادی است که در حوزه مباحثات اندیشه‌ای ارزشی - هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرد و دومی پدیده‌ای جامعه‌شناسانه و تاریخی است که همچون امری واقع مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوم اینکه سکولاریسم مطلق‌گرا بوده و در اندیشه، همه چیز را برای خود می‌خواهد ولی سکولاریزاسیون فرایندی است که به صورت نسبی در جهان حاکم است و چیزی در آن به صورت مطلق نگریسته نمی‌شود و در آن انسان به نسبی بودن ارزشها آگاهی دارد. با این همه نمی‌توان نظریه و فرایند را یکسره از هم جدا پنداشت و از پیوند آنها غفلت ورزید.

## ۲- پیشینه تاریخی

اولین ریشه‌های سکولاریزم به معنای اصطلاحی آن را می‌توان در آراء فیلسوفان قرون وسطی جستجو کرد و شاید اولین شخص در بین آن فیلسوفان قدیس آگوستین (۳۵۴ - ۴۳۰ م) در قرن چهارم و پنجم باشد. آگوستین در کتاب «در باب شهر خدا» نظریه دو شهر (شهر خدا و شهر دنیا) را مطرح کرد، دو شهری که هر دو شهر انسان است و تفاوت و جداییشان براساس نحوه اعتقادات و اخلاق و روش زندگی است. (ایلخانی، صص ۱۱۶-۱۱۵)

در قرن سیزده توماس آکوئیناس (۱۲۲۶ - ۱۲۷۴ م) بر تمایز اقتدار سیاسی و مرجعیت روحانی و استقلال آن دو تأکید کرد اما مشروعیت برخی مداخله‌های مرجعیت روحانی در امور دنیا را پذیرفت. (طباطبائی، ص ۲۹۲)

در قرن چهاردهم نیز ویلیام اکامی اعتقاد داشت که پاپ حق

دخالت در امور دنیوی را ندارد. قلمرو پاپ روحانی و اخروی است نه این جهانی. (ایلمخانی، ص ۵۲۸)

چنانکه ملاحظه می‌شود اساس اندیشه سکولاریستی در آراء فوق وجود دارد اما تعبیر سکولاریزاسیون برای اولین بار در زبانهای اروپایی در معاهده وست فالی (West Phalai) در سال ۱۶۴۸ به کار رفت، که به موجب این معاهده، سرزمینهای تحت نظارت کلیسا زیر سلطه اقتدار سیاسی غیرروحانی قرار می‌گرفت. (کانت، ص ۱۷) اما اصطلاح سکولاریزم به صورت رسمی با انتشار کتاب اصول سکولاریزم توسط جورج ژاکوب هولیوک<sup>۲</sup> در سال ۱۸۵۸ به کار رفت. (جلیلی، ص ۱۳) او سکولاریزم را «فلسفه‌ای ملی برای مردم» می‌دانست که هدف آن تنظیم امور زندگی بدون استعانت از ماوراء طبیعت بود. (شاینر، ص ۲۰)

### ۳- اسلام و سکولاریسم

برخی محققان و اندیشمندان اسلامی - و خصوصاً انحصارگرایان - برای طرد و نفی سکولاریسم از جامعه و فرهنگ اسلامی دلایلی را ارائه کرده‌اند. عمده این دلایل در حقیقت بر تفاوت اسلام و مسیحیت مبتنی هستند. به نظر این محققان دین اسلام دینی جامع است که هم به این دنیا و هم به آخرت پرداخته و به این خاطر سکولاریسم را از ساحت این دین دور می‌دانند. این دسته از محققان معتقدند که تمایز بین دین و دنیا، و دین و سیاست که در مسیحیت وجود دارد و زمینه‌ساز پیدایش سکولاریزم شده، در دین اسلام جایگاهی ندارد. (برای جزئیات بیشتر ر. ک به: ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریزم، علی ربانی گلپایگانی، موسسه دانش و اندیشه معاصر).

ولی عده‌ای از اندیشمندان اسلامی از همین دلایل و از همین جامعیت برداشتی دیگر کرده و از زاویه دیگر به آن نگاه می‌کنند. این عده از محققان کوشش برای سکولاریزاسیون اسلام را تحصیل حاصل می‌دانند، چراکه سکولاریزاسیون را در درون آن موجود می‌دانند یعنی

به نظر آنان اسلام در ذات خود دینی سکولار است چراکه اسلام به این دنیا خیلی پرداخته و قرآن از مسلمانان خواسته است که بهره خود را از دنیا فراموش نکنند. پس نیازی نیست که ما سکولاریسم را از تمدن غرب بگیریم. (نیکفر، ص ۱۳۳)

دکتر محمد مجتهد شبستری دیدگاه اخیر را به صورت تامل و پرسش چنین مطرح می‌کنند: «آیا اگر مهم‌ترین مسئله مدرنیته در غرب این بود که معرفت و تاریخ به تدریج سکولار شدند، در ایران هم چنین چیزی در حال اتفاق افتادن است؟ یا اینکه اصلاً معرفت و تاریخ از آغاز در میان عامه مسلمانان گونه‌ای دنیوی - عقلانی - بشری یا سکولار بوده است؟» (ص ۴۹)

#### ۴- نقد و ارزیابی سکولاریسم

آنچه در این قسمت مهم به نظر می‌رسد ارزیابی و بررسی این نکته است که آیا سکولاریسم ضد دین یا مخالف آن است و آیا این دو همدیگر را طرد می‌کنند و اجتماعشان محال است یا اینکه اجتماع آنها جایز بوده و می‌توان هر دو را باهم جمع کرد؟

همانطور که بیان شد سکولاریسم پدیده‌ای است که در دامان غرب پرورده شده است. ولی با وجود این، حتی در غرب نیز تعریف جامع و واحدی از آن نشده است. تعاریف داده شده، بعضی شبیه به هم و برخی متضاد هستند. مثلاً گبریل وهانیان<sup>۳</sup> سکولار (Secular) را متضاد با مقدس (Sacred) نمی‌داند (Crockett p1) بلکه آنها را دو چیز مستقل می‌داند؛ یعنی سکولار و دین نقطه مقابل هم نیستند و هر کدام زبان مستقلی داشته و هیچ یک برانداخته دیگری نیست. در عین حال جهان‌بینی‌ای که این دو ارائه می‌دهند با همدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. (Ibid, p10) جورج هولیوک به این اصطلاح معنای تازه‌ای بخشیده و سکولاریسم را «اعتقاد به اصلاح وضعیت انسان از راه مادی» (Hastingsp347) تعریف کرده است. وی در ادامه اضافه کرده

است که رد یا قبول ایمان، ربطی به سکولاریسم ندارد. این دو (ایمان و سکولاریسم) دو چیز مستقل هستند و در سکولاریسم نه خداوند و نه الحاد، هیچکدام مطرح نیست. چرا که سکولاریسم با تجربه سر و کار دارد و در تجربه خداوند و الحاد هیچکدام نه قابل رد هستند و نه قابل اثبات. اما براد لاف<sup>۱</sup> کاملاً برعکس هولیوک، سکولاریسم و خداپرستی را دو چیز متعارض و ضد هم می‌داند. به نظر او تا این موهوم پرستی (دین) وجود دارد پیشرفت مادی غیرممکن است و برای پیشرفت باید دین را کنار گذاشت چرا که با تئوریهایی که می‌دهد مانع سعادت بشر می‌شود. (Hastingsp348)

در پاره‌ای از کشورهای اسلامی همچون ایران نیز عده‌ای از ضرورت ایجاد و هماهنگی و هم‌نوائی میان دین و سکولاریسم سخن گفته‌اند. در زبان ترجمه اینها، سکولاریسم با عرفی شدن و عقلانی شدن و گاه، علم و دانش جدید یکسان انگاشته شده و هیچ‌گونه تغایر و تعارضی در این میان نیافته‌اند و آنرا به مثابه پروژه‌ای اصلاح‌گرایانه یا نجات‌بخش عرضه می‌دارند. عده‌ای نیز با سکولاریسم به مخالفت برخاسته و از سکولاریسم درکی توطئه‌گرایانه دارند، توطئه‌ای که توسط فرد یا افراد خاصی پرداخته شده است تا بوسیله آن جوامع شرقی یا اسلامی را مورد تهاجم قرار دهند البته عده‌ای با نیت بدخواهانه و به قصد نجات از دین، سکولاریسم را طرح و ترویج می‌کنند و عده‌ای با نیت نیکخواهانه و به قصد نجات دین به آن تن داده‌اند. آنان از جایگاه تقدم خرد بر وحی، و حجیت انحصاری عقل؛ و اینان از جایگاه دلسوزی و برای حفظ دین و حراست از آن. آنان دین را باطل می‌دانند و ورود آن را به عرصه سیاست و اجتماع ویرانگر و زیانبار می‌بینند؛ و اینان دین را حق می‌دانند و نمی‌خواهند که دین به ناپاکبیا و مصلحت‌اندیشیهای سیاست آلوده شود یا امر مقدس در خدمت امر غیر مقدسی و دنیوی قرار گیرد. (سروش، ص ۴۲۴ - ۴۲۳)

می‌بینیم که در شناخت و فهم سکولاریسم؛ اختلاط‌ها و

معضلاتی پیش آمده است که شاید یکی از عوامل مهم آن، تنوع و تکثر معانی و مفاهیم سکولاریسم باشد. تمامی معانی سکولاریسم یا داخل در سکولاریسم حداقلی و جزئی است، یا داخل در سکولاریسم حداکثری و کلی. سکولاریسم حداقلی و جزئی، نگرش جزئی و موردی به واقعیت است و از منظر اجرائی می‌کوشد به تفکیک دین از حوزه‌هایی چون دولت، سیاست، علم، اقتصاد و ... نائل گردد، در این رویکرد حداقلی و جزئی، وجود امر مطلق، مرجعیت و اصول ثابت و کلی، اخلاقی و انسانی و حتی دین پذیرفته شده است و ساحت‌های فرامادی وجود انکار نمی‌شود و همه حوزه‌های حیات انسانی جز یک یا چند مورد، از تعلق به دنیویت و سکولاریسم مصون مانده و همچنان در مرجعیت دینی باقی گذاشته شده است. در حالیکه در سکولاریسم حداکثری و کلی، بارهیافت نگرش همه‌جانبه، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و همه حوزه‌های بشری و مبادی و مبانی آن مشمول سکولاریسم شده و رابطه آنها با دین و هرگونه امر فرامادی و فرابشری قطع می‌گردد. بیشتر اختلافاتی که در نظریه سکولاریسم از طرف متفکران و محققان وجود دارد، به خاطر همین عدم توجه به سکولاریسم حداقلی و حداکثری است. اگر جهت قضایا در تئوری‌هایی که داده می‌شود یا منظور از قضایا روشن شود، شاید بیشتر اختلافات حل گردد (نژاد نجف، صص ۹۹-۹۸) مثلاً شاید عده‌ای که از سر مخالفت با سکولاریسم برآمده‌اند منظورشان سکولاریسم حداکثری باشد، و آنهایی که از سر موافقت و طرفداری با آن برآمده‌اند، منظورشان سکولاریسم جزئی و حداقلی باشد، در اینجا مخالفت و موافقت این دو گروه هیچ تناقضی را به دنبال نخواهد داشت. بنابراین نباید از بررسی سکولاریسم کلی، نتیجه‌گیری جزئی و موردی و یا بالعکس از بررسی سکولاریسم جزئی و موردی نتیجه‌گیری سکولاریسم کلی و حداکثری شود، مثلاً نباید از اینکه مخالف سکولاریسم کلی هستیم، مخالف این باشیم که علم یا اقتصاد نیز نباید



از دین جدا شود. همچنین اگر به تعریفی که آقای آلین بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی آورده است و بیان آن گذشت، دقت کنیم، او نیز در پایان، بین دو نوع فرایند که یکی تمییز بین امر مادی و معنوی و دیگری تجویز امحای هر معنای دینی در زندگی است، فرق گذاشته شود.

پس اگر به این مسئله دقت کنیم، می‌بینیم که موضوع ابعاد مختلف پیدا می‌کند، یک فرد سکولار می‌تواند معتقد باشد که خدایی هست، دینی وجود دارد و ایمان راسخی به ماوراء الطبیعه و فرامادی داشته باشد، اما اعتقادات او در زندگی روزمره و فعالیت‌های اجتماعی اش نقشی نداشته و صرفاً جنبه خصوصی و فردی داشته باشد؛ یعنی یک فرد در عین حال که دیندار است، می‌تواند از برخی جهات سکولار باشد. مثلاً دین ربطی به حکومت ندارد، اقتصاد یا آموزش و پرورش مبنای دینی ندارند و... در مقابل، فرد غیرسکولار معتقد است که همه چیز باید جنبه الهی داشته و در قالب دین بگنجد. نباید امور غیردینی مبنای نظام‌های اجتماعی گردد. خلاصه اینکه از دیدگاه او دین باید بر تمام ارزش‌های فردی و اجتماعی حاکم باشد. (نصری، ص ۱۹۹-۱۹۷) پس با در نظر گرفتن این جهات می‌بینیم که دین و سکولاریسم همیشه حالت تعارض ندارند و اجتماع آنها در یک نفر جایز بوده و حوزه آن دو مستقل است.

نکته دیگر این که، بشر امروز خواه ناخواه در فرایند سکولاریزاسیون واقع شده است و بسیاری از کارهایش را به انگیزه مستقل از دین انجام می‌دهد، حال آنکه او همین کارها را در گذشته به انگیزه دینی انجام می‌داد. علاوه بر این، امروزه سیاست‌های کلان اقتصادی، حقوق بین‌المللی و خصوصی و مدنی، قوانین شهرسازی و تعداد زاد و ولد و... را دولت تعیین می‌کند و همه اینها در شعاع تشخیص عقلی بوده و خدا و دین نقشی در آن ندارند. ولی با وجود نداشتن انگیزه الهی هیچ وقت نمی‌توان گفت که بشر امروز بی‌دین و بی‌مذهب است بلکه سکولار بودن در عمل هیچ تضادی با خداپرستی

و دینداری ندارد. «سکولار شدن جامعه لزوماً به سکولار شدن فرد نمی‌انجامد.» (برگر. ص ۴۴)

از آنچه گذشت معلوم شد که سکولاریسم پروژه سیاسی، اجتماعی، فکری نیست که بوسیله طرح و نقشه فرهنگی از پیش تعیین شده‌ای که همراه با ابزار و شیوه‌های مشخص تحقق پیدا کند و به گونه‌ای مکانیکی پذیرفته یا رفع شود. و نیز امر بخشنامه‌ای نیست که با تصمیم و ابلاغیه بتوان جامعه را سکولار یا پیراسته از سکولاریسم کرد. و اینکه آیا سکولاریسم زمام تاریخ را بدست می‌گیرد و تاریخ بشر نهایتاً به آن منتهی می‌شود، یا اینکه ممکن است نوعی آنتی سکولاریسم سربرآورد و آینده تاریخ دست حکومت‌های دینی باشد، هیچ کدام نه قابل اثبات است و نه قابل رد، بلکه فقط باید منتظر بود و چشم به آینده دوخت.



ژوهره‌ها  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت‌ها:

- ۱- Harvey Cox: کشیش و متکلم پروتستانی، استاد دانشکده علوم و هنر در دانشگاه هاروارد.
- ۲- Goge Jacobe Holyoake: اندیشمند انگلیسی تبار، از رهبران جنبش سوسیالیسم در قرن ۱۹.
- ۳- Gabriel Vahanian: استاد الاهیات، دین و فرهنگ در دانشگاه سراکیوس، نویسنده کتابهای Wait Without Idols و The Death of God و No Other God.
- ۴- Brad Lough: از رهبران ملحد جنبش سوسیالیسم در قرن ۱۹.

منابع:

الف: منابع فارسی

- ۱- الباده، میرچا، فرهنگ و دین، هیأت مترجمان، زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۴.
- ۲- ایلخانی، محمد. تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- ۳- برگر، پیتر. برخلاف جریان: نقد نظریه سکولار شدن، در کتاب چالشهای دین و مدرنیته. ترجمه و تألیف: سیدحسین سراجزاده، انتشارات طرح نو. ۱۳۸۳.
- ۴- بیات، عبدالرسول، فرهنگ واژه‌ها، انتشارات موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
- ۵- بیرو، آلین، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
- ۶- جلیلی، هادی، تأملاتی جامعه‌شناسانه درباره سکولار شدن، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳.
- ۷- سروش، عبدالکریم، مدارا و مدیریت. انتشارات صراط، ۱۳۷۶.
- ۸- شاینر، لاری، مفهوم سکولار شدن در پژوهشهای تجربی، در کتاب چالشهای دین و مدرنیته. ترجمه و تألیف: سیدحسین سراجزاده، طرح نو. ۱۳۸۳.
- ۸- طباطبایی، سیدجواد. جدال قدیم و جدید، موسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۲.
- ۱۰- کانت، ایمانوئل، دین در محدوده عقل تنها، ترجمه منوچهر صانعی دره‌پیدی، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۱.
- ۱۱- مجتهد شبستری، محمد. تأملاتی در قرانت انسانی از دین. طرح نو. ۱۳۸۳.
- ۱۲- نژادنجف، فیروز. نقد و بررسی علم دینی و علم سکولار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۳- نصری، عبدالله. یقین گمشده، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
- ۱۴- نیکفر، محمدرضا. «یک نظریه بومی درباره سکولاریزاسیون» مجله آفتاب، شماره ۲۷.

ب: منابع لاتین

1. Cox, Horvay, **The Secular City**, Routledge Press, New york: 1996.
2. Crocket, Clyton, **secular Theology**, Routledge Press, Us and Conada: 2001
3. Hostings, james, **Encyclopadia of Religin and Ethics**, NewYork: 1974
4. Hornby, A.S, **Oxford Advanced learner's Dictionary** Oxford University Press: 2003

< 5 >